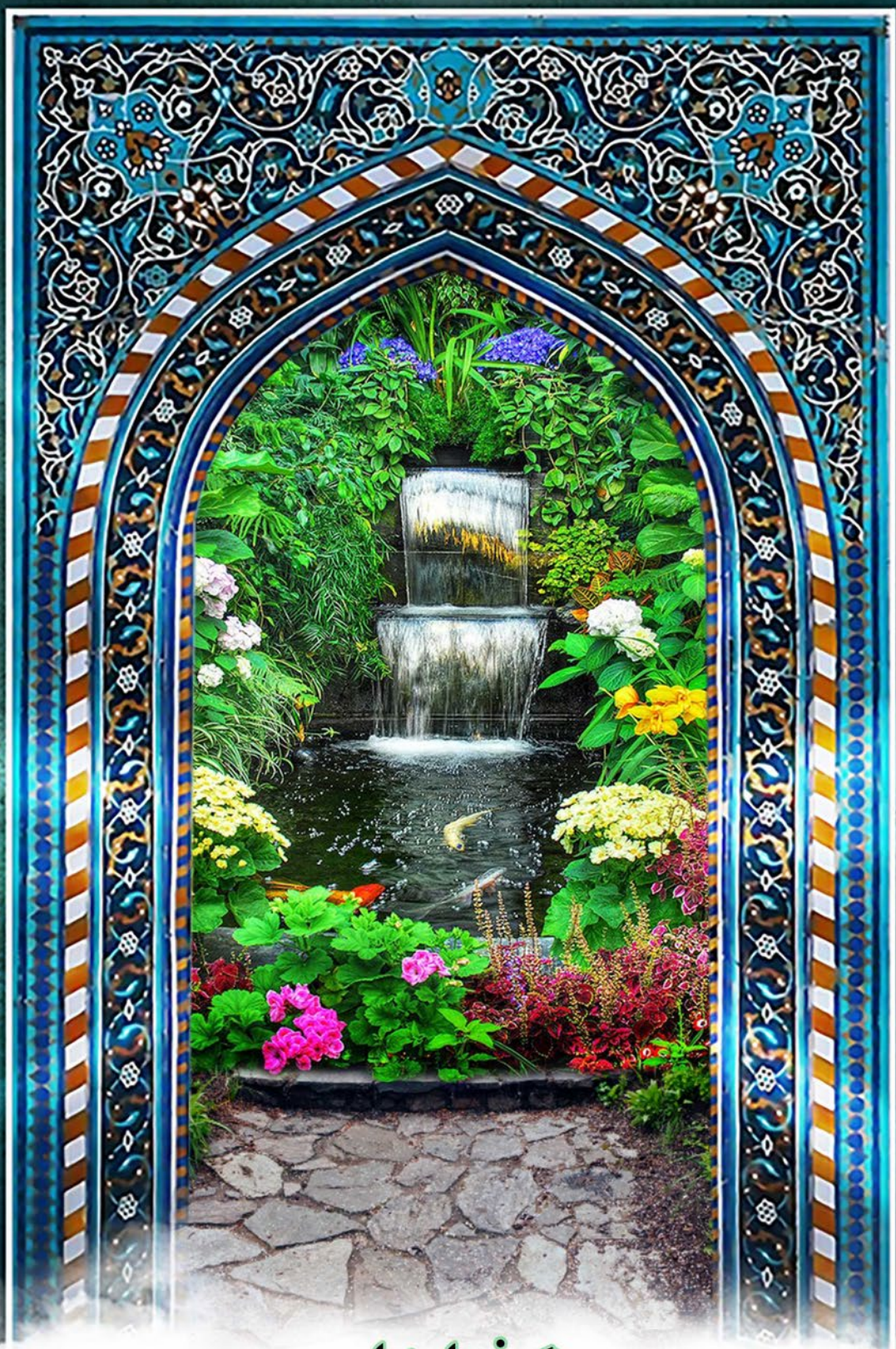




گفتارهای

مَنْصُورِ هَاشِمِی خراسانی

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



موضوع:

مقدمات؛ حجت؛ کتاب خداوند؛ تفسیر برخی آیات قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

دو گفتار شگرف از آن جناب در معرفی ذو القرنین و مأجوج و مآجوج که از حکمت‌های خاص آن جناب است.

۱. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الطَّالِقَانِيُّ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ فِي دَارِهِ فَوَجَدْتُهُ قَارِعًا فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَسَأَلُكَ؟ فَقَالَ بِرَأْسِهِ: نَعَمْ، فَظَنَنْتُ أَنَّهُ يُسَبِّحُ، فَقُلْتُ: إِنَّ هَؤُلَاءِ يَخْتَلِفُونَ فِي ذِي الْقَرْنَيْنِ، وَأَنْتَ عَالِمُهُمْ وَسَيِّدُهُمْ، فَإِنْ رَأَيْتَ -جُعِلْتُ فِدَاكَ- أَنْ تُخْرِجَهُمْ فِيهِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ فَعَلْتُ! فَمَكَتْ حَتَّى قَضَى سُبْحَتَهُ، ثُمَّ قَالَ: دَعْنِي مِنْ هَؤُلَاءِ السَّفَلَةِ الْمَرْدَةِ الْقَائِلِينَ عَلَى اللَّهِ بِمَا لَا يَعْلَمُونَ! أَلَا تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْعِلْمَ كَثُرَ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ هَبَطَ مِنْهَا مَعَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ انْتَقَلَ مِنْهُ إِلَى النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ مِنْ دُرِّيَّتِهِ، حَتَّى يَرْجِعَ مَعَ آخِرِهِمْ إِلَى الْجَنَّةِ؟! أَفَتُرِيدُ أَنْ تَجْعَلَ مِثْلَ هَذَا الْكُثْرِ فِي أَيْدِي الصَّبْيَانِ وَالْمَجَانِينِ وَالْمُدْمِنِينَ عَلَى الْمُخَدَّرَاتِ؟! لَا وَاللَّهِ لَيْسَ هَؤُلَاءِ بِمَأْمُونِينَ عَلَيْهِ وَلَا مِنْ أَهْلِهِ، وَإِنْ فِيهِمْ سَارِقِينَ يَسْرِقُونَهُ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثِمَنًا قَلِيلًا وَيَسْتَعِينُوا بِهِ عَلَى حُجَجِ اللَّهِ وَأَوْلِيَائِهِ! ﴿فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَتِهِمْ حَتَّى حِينٍ﴾! فَتَدَمَّتُ عَلَى مَسْأَلَتِي حَتَّى رَأَى ذَلِكَ فِي وَجْهِهِ، فَقَالَ: كَانَ الْيَهُودُ يَجِدُونَ ذَا الْقَرْنَيْنِ عِنْدَهُمْ فِي كِتَابِ دَانِيَالٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَسَأَلُوا عَنْهُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِيَعْلَمُوا أَيُّوْحَى إِلَيْهِ أَمْ لَا، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ ذِي الْقَرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا﴾، قُلْتُ: وَمَا كَانَ عِنْدَهُمْ فِي كِتَابِ دَانِيَالٍ؟ قَالَ: إِنَّ دَانِيَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَأَى فِي الْمَنَامِ كَبْشًا لَهُ قَرْنَانِ طَوِيلَانِ أَحَدُهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْآخَرِ، وَرَأَاهُ يَنْطُحُ غَرْبًا وَشَرْقًا وَشَمَالًا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَفِدَرَ حَيَوَانٌ عَلَى دَفْعِهِ حَتَّى عَظُمَ شَأْنُهُ، فَأَخْبَرَهُ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَنَّ الْكَبْشَ ذَا الْقَرْنَيْنِ هُوَ مَلِكُ مَادِي وَفَارِسَ! قُلْتُ: أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ قَدْ آتَاكَ الْحِكْمَةَ وَفَصَلَ الْخُطَابَ! أَفَأَحَدْتَهُمْ عَنْكَ بِهَذَا الْحَدِيثِ؟ قَالَ: حَدَّثَهُمْ بِهِ، أَرَعَمَ اللَّهُ أَنْوَفَ قَوْمٍ مُسْتَكْبِرِينَ.

۱. المؤمنون / ۵۴

۲. الكهف / ۸۳

إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ كَانُوا قَوْمًا مِنَ الْخَزَرِ أَوْ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ! قَالَ: إِنَّ قَوْمًا مِنَ الْخَزَرِ كَانُوا مُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ فَشَبَّهُوا يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ لِإِفْسَادِهِمْ كَمَا يُقَالُ لِرَجُلٍ شَرِيرٍ إِبْلِيسُ لِشَرَارَتِهِ، فَكُلُّ مُفْسِدٍ فِي الْأَرْضِ يَأْجُوجٌ وَمَأْجُوجٌ، وَفِي كُلِّ قَرْنَيْنِ يَأْجُوجٌ وَمَأْجُوجٌ.

ترجمه‌ی گفتار:

عیسی بن عبد الحمید جوزجانی ما را خبر داد، گفت: شنیدم جناب منصور که جان من به فدای او باد می‌فرماید: هرآینه روح القدس به دلم انداخت که یأجوج و مأجوج دو قبیله از قبایل مغول بودند که به قومی در شمال فارس (ایران کنونی) که به سختی می‌توانستند زبانی را فهم کنند یورش می‌بردند، پس آنان از کورش در برابر آن‌ها کمک خواستند، پس او برای آنان در بین دو کوه سدی بنا کرد که آن‌ها نتوانستند از آن بالا روند و نتوانستند از آن نقبی بزنند، تا آن گاه که پادشاه خوارزم (خوارزمشاه) در قرن هفتم راه آن‌ها را باز کرد، پس مانند سیل روی آوردند و در زمین فساد انگیختند، در حالی که از هر بلندی سرازیر می‌شدند! گفتم: به خدا سوگند گفتار عظیمی گفתי! گفتمی که وعده‌ی خداوند (در قرآن) آمده و گذشته است؟! فرمود: آری، بی‌گمان وعده‌ی خداوند می‌آید و می‌گذرد، در حالی که بیشتر مردم نمی‌دانند! گفتم: آن‌ها می‌گویند که یأجوج و مأجوج قومی از خزر بودند یا قومی در آخر الزمان خواهند بود! فرمود: قومی از خزر در زمین فساد می‌انگیختند، پس به خاطر فسادشان به یأجوج و مأجوج تشبیه شدند، چنانکه به مردی شرور به خاطر شرارتش ابلیس گفته می‌شود، پس هر فساد کنندگانی در زمین یأجوج و مأجوجی هستند و در هر دو قرن یأجوج و مأجوجی وجود دارد.

شرح گفتار:

دیدگاه آن جناب درباره‌ی یأجوج و مأجوج مؤید به شواهد قرآنی، روایی و تاریخی است و معقول‌ترین و واقع‌بینانه‌ترین دیدگاه ارائه شده درباره‌ی آنان است و سخن آن جناب که فرمود: «هرآینه روح القدس به دلم انداخت» به معنای نزول وحی بر او از جانب خداوند نیست؛ زیرا واضح است که او پیامبر نیست و ادعای پیامبری ندارد، بل به معنای «توفیق» او از جانب خداوند و «فراست» او در نگرستن به شواهد قرآنی، روایی و تاریخی است که خداوند درباره‌اش فرموده است: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّمَنْتَوْسَمِعِينَ﴾؛ «هرآینه در آن نشانه‌هایی برای صاحبان فراست است» و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌اش فرموده است: «اتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ»؛ «از فراست مؤمن

۱. الحجر / ۷۵

۲. سنن الترمذی، ج ۴، ص ۳۶۰؛ المعجم الکبیر للطبرانی، ج ۸، ص ۱۰۲؛ أمثال الحدیث لأبی الشیخ الأصبهانی، ج ۱، ص ۷۷؛ مسند الشهاب لابن سلامة، ج ۱، ص ۳۸۷؛ المحاسن للبرقی، ج ۱، ص ۱۳۱؛ بصائر الدرجات للصفار، ص ۳۷۷؛ الکافی للکلینی، ج ۱، ص ۲۱۸؛ معانی الأخبار لابن بابویه، ص ۳۵۰؛ الأمالی للطوسی، ص ۲۹۴



بر حذر باشید؛ چراکه او با نور خداوند می نگیرد؛ فارغ از آنکه «إلهام» و «إفهام» به دل مؤمن، لطفی شایع از الطاف خداوند است؛ چنانکه روایت شده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً مِنْ نُورٍ وَفَتَحَ مَسَامِعَ قَلْبِهِ وَوَكَّلَ بِهِ مَلَكًا يُسَدِّدُهُ»^۱؛ «خداوند عزَّ وَّجَلَّ هرگاه برای بنده‌ای خیری بخواهد، در دل او نکته‌ای نورانی می اندازد و گوش‌های دلش را می گشاید و فرشته‌ای را بر او می گمارد که او را راست گرداند»، تا جایی که از ابو عبد الله صادق علیه السلام روایت شده است: «إِنَّا لَا نَعُدُّ الْفَقِيهَ فَقِيهًا حَتَّى يَكُونَ مُحَدِّثًا، فَقِيلَ لَهُ: أَوْ يَكُونَ الْمُؤْمِنُ مُحَدِّثًا؟ قَالَ: يَكُونُ مَفْهَمًا وَالْمَفْهَمُ مُحَدِّثٌ»^۲؛ «ما هیچ فقیه‌ی را فقیه نمی شماریم تا آن گاه که محدث باشد (یعنی فرشته با او سخن گوید)، به او گفته شد: آیا مؤمن محدث می شود؟ فرمود: مفهم می شود (یعنی فرشته به او می فهماند) و مفهم محدث است» و این صفتی است که راویان شیعه^۳، برای سلمان فارسی و راویان اهل سنت^۴، برای عمر بن خطاب روایت کرده‌اند و ابن حجر در توضیح آن گفته است: «اُخْتُلِفَ فِي تَأْوِيلِهِ، فَقِيلَ: مُلْهَمٌ قَالَهُ الْأَكْثَرُ، قَالُوا: الْمُحَدِّثُ بِالْفَتْحِ هُوَ الرَّجُلُ الصَّادِقُ الطَّنُّ وَهُوَ مِنَ الْفَيِّ فِي رُوعِهِ شَيْءٌ مِنْ قِبَلِ الْمَلَأِ الْأَعْلَى فَيَكُونُ كَالَّذِي حَدَّثَهُ غَيْرُهُ بِهِ ... وَقِيلَ: مُكَلَّمٌ أَيْ تُكَلِّمُهُ الْمَلَائِكَةُ بِغَيْرِ نُبُوءَةٍ وَهَذَا وَرَدَ مِنْ حَدِيثِ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ مَرْفُوعًا وَلَفْظُهُ: قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَكَيْفَ يُحَدِّثُ؟ قَالَ: تَتَكَلَّمُ الْمَلَائِكَةُ عَلَى لِسَانِهِ ... وَيَحْتَمِلُ رَدُّهُ إِلَى الْمَعْنَى الْأَوَّلِ أَيْ تُكَلِّمُهُ فِي نَفْسِهِ وَإِنْ لَمْ يَرِ مُكَلَّمًا فِي الْحَقِيقَةِ فَيَرْجِعُ إِلَى الْإِلْهَامِ وَفَسَّرَهُ ابْنُ التَّيْنِ بِالتَّفَرُّسِ»^۵؛ «درباره‌ی معنای آن اختلاف است. گفته شده مراد از آن کسی است که به او الهام می شود و این نظر اکثر است که گفته‌اند: محدث مردی است که گمان او درست است و از عالم بالا چیزی به دلش انداخته می شود و از این رو، مانند کسی است که دیگری آن را به او گفته است ... و گفته شده مراد از آن کسی است که فرشتگان با او سخن می گویند بی آنکه پیامبر باشد و این در حدیث ابو سعید خدری آمده با این لفظ که گفته شد: ای رسول خدا! چگونه با او سخن گفته می شود؟ فرمود: فرشتگان به زبانش سخن می گویند ... و می توان آن را به معنای نخست باز گرداند؛ یعنی فرشتگان در دلش با او سخن می گویند اگرچه واقعاً گوینده‌ای را نمی بیند و این به الهام باز می گردد و ابن تین آن را به معنای فراست دانسته است»، بل حق آن است که فیض روح القدس - کم یا بیش - شامل هر مؤمنی می شود؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ﴾^۶؛ «آنان کسانی هستند که ایمان را در دل‌هاشان نوشته و آنان را با روحی از جانبش مؤید ساخته است»؛ خصوصاً مؤمنی که به سوی خداوند و خلیفه‌اش دعوت می کند؛ چنانکه به عنوان نمونه روایت شده است پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۱. المحاسن للبرقي، ج ۱، ص ۲۰۰؛ الکافی للکلینی، ج ۱، ص ۱۶۶ و ج ۲، ص ۲۱۴؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۲۱؛ التوحید لابن بابویه، ص ۴۱۵

۲. رجال الکشی، ج ۱، ص ۶

۳. رجال الکشی، ج ۱، ص ۵۵، ۶۴ و ۷۲؛ بصائر الدرجات للصفار، ص ۳۴۲؛ الأمالی للطوسی، ص ۴۰۷

۴. صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۴۹؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۱۵

۵. فتح الباری لابن حجر، ج ۷، ص ۴۰ و ۴۱

۶. المجادلة/ ۲۲



خطاب به حسان بن ثابت انصاری فرمود: «إِنَّ رُوحَ الْقُدْسِ لَا يَزَالُ يُؤَيِّدُكَ مَا نَفَحْتَ عَنِ اللَّهِ وَعَنْ رَسُولِهِ»؛ «هرآینه روح القدس همواره تو را یاری می‌کند مادامی که از خداوند و از پیامبرش حمایت می‌کنی» و خطاب به او فرمود: «لَا تَزَالُ مُؤَيِّدًا بِرُوحِ الْقُدْسِ مَا نَصَرْتَنَا بِلِسَانِكَ»؛ «همواره مؤید به روح القدس هستی مادامی که ما را با زبانت یاری می‌کنی»^۱ و خطاب به او و عبد الله بن رواحه فرمود: «لَنْ تَزَالَ تُؤَيِّدَانِ بِرُوحِ الْقُدْسِ مَا دَبَبْتُمَا عَنَّا بِاللِّسَانِ»^۲؛ «پیوسته توسط روح القدس پشتیبانی می‌شوید مادامی که با زبان خود از ما دفاع می‌کنید» و ابو جعفر باقر علیه السلام خطاب به کمیت بن زید اسدی فرمود: «لَا تَزَالُ مُؤَيِّدًا بِرُوحِ الْقُدْسِ مَا دُمْتَ تَقُولُ فِينَا»^۳؛ «همواره مؤید به روح القدس هستی مادامی که درباره‌ی ما سخن می‌گویی» و علی بن موسی الرضا علیه السلام خطاب به دعبل بن علی خزاعی فرمود: «نَطَقَ رُوحُ الْقُدْسِ عَلَى لِسَانِكَ بِهَدْيَيْنِ الْبَيِّنَيْنِ»^۴؛ «روح القدس این دو بیت را بر زبان تو جاری کرد»، در حالی که واضح است هیچ یک از آنان پیامبر نبودند و ادعای پیامبری نداشتند، بلکه تنها دعوت کنندگانی به سوی پیامبر و اهل بیتش بودند و این صفتی است که اکنون در منصور هاشمی خراسانی متجلی است.

برای خواندن شرحی بر گفتارهای آن جناب درباره‌ی ذو القرنین و یاجوج و ماجوج، به پرسش و پاسخ ۹۲ مراجعه کنید.



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی



۱. برای این مضمون، بنگرید به: صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۶۵؛ سنن أبي داود، ج ۲، ص ۴۸۰؛ سنن البيهقي، ج ۱۰، ص ۲۳۸؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۶، ص ۹۷؛ شرح معانی الآثار للطحاوي، ج ۴، ص ۲۹۸؛ الأصول الستة عشر لعدة من المحدثين، ص ۱۰۱؛ الكافي للكليني، ج ۸، ص ۱۰۲؛ رجال الكشي، ج ۲، ص ۴۶۶؛ الإرشاد للمفيد، ج ۱، ص ۱۷۷.
۲. دعائم الإسلام لابن حيّون، ج ۲، ص ۳۲۳.
۳. رجال الكشي، ج ۲، ص ۴۶۷.
۴. عيون أخبار الرضا لابن بابويه، ج ۲، ص ۲۹۷؛ كفاية الأثر للخزاز، ص ۲۷۶؛ مناقب آل أبي طالب لابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۴۵۰.

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



صفحه توییتر پایگاه

صفحه اینستاگرام پایگاه

صفحه تلگرام پایگاه

صفحه فیسبوک پایگاه

لینک وبسایت پایگاه

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.